ادامه از صفحه ۹

ویروس کرونا چگونه جهش می‌کند و این جهش‌ها چه پیامدهایی برای ما دارد؟

دولت بریتانیا و دولت‌های دیگر ادعا می‌کنند که گونه انگلیسی «احتمالا کشنده‌تر است» و گونه‌ای که نخستین‌بار در آفریقای جنوبی کشف شد، ظاهرا شدیدتر نیست. اما نگرانی دوم درباره واکسن‌ها و ایمنی بدن نسبت به ویروس‌های جهش‌یافته مسئله پیچیده‌ای است. عفونت‌های طبیعی با ایجاد پادتن‌های گسترده و واکنش‌های متنوع سلول‌های سیستم ایمنی بسیاری از بخش‌های ویروس را هدف قرار می‌دهد. ولی اکثر واکسن‌های کرونا تنها برای شاخک پروتئینی S طراحی شده‌اند. این مسئله، این نگرانی را ایجاد کرده است که چه‌بسا گونه‌های جدید از چنگ این واکنش‌های «محدود» سیستم ایمنی فرار کنند. شاهد آشکار این نگرانی کشفی است که تازگی‌ها افشا شد: واکسن آسترازنکا که اولین واکسنی بود که به آفریقای جنوبی رسید و برنامه‌ریزی شده بود که برای کارکنان خط مقدم مراقبت‌های درمانی از آن استفاده شود، اثربخشی اندکی در پیشگیری از ابتلای خفیف یا ملایم به نوعی از کووید۱۹ دارد که گونه B.1.135 (ویروس آفریقای جنوبی) موجب آن می‌شود. خوشبختانه اکثر جهش‌هایی که در شاخک پروتئینی S به وجود آمده است، از قدرت و تأثیرگذاری واکسن‌های موجود نکاسته است.

شواهد نشان می‌دهد که واکسن فایزر و مادرنا و واکسن جانسون‌اندجانسون بر گونه‌های جهش‌یافته نیز مؤثرند. دلیل آن این است که هنوز نقاط جهش‌نیافته فراوانی در شاخک‌های پروتئینی ویروس وجود دارد که واکسن‌ها بر آنها مؤثرند.

نکته دلگرم‌کننده دیگر این است که واکسن‌های mRNA را می‌توان براساس جهش‌های جدید بازطراحی کرد و به‌این‌ترتیب تأثیر آنها را حفظ کرد. همچنین نکته مثبت دیگری اخیرا اعلام شد که واکسن جانسون‌اندجانسون در کنترل پاندمی بسیار مؤثر خواهد بود و علاوه بر آن خبر آمد که واکسن نووواکس نیز می‌تواند ایمنی قابل‌ملاحظه‌ای را برای انسان ایجاد کند.

درباره جهش‌های آینده چه می‌توان گفت؟

بسیار محتمل است که گونه‌های جدیدی از ویروس کرونا در آینده نزدیک ظهور کند. درواقع به احتمال بسیار زیاد گونه‌های جدید پیشاپیش و هم‌اکنون در میان انسان‌ها درحال انتشارند ولی هنوز قادر به تشخیص آنها نیستیم. در برخی کشورها نظیر بریتانیا و آفریقای جنوبی نظارت و کنترل و امکانات تشخیصی مطلوب است ولی در برخی دیگر، از جمله بیشتر کشورهای آفریقایی، این امکانات بسیار محدود است. آنچه مایه نگرانی شده این است که کروناویروس‌های رایج فصلی که تنها سرماخوردگی‌ای معمولی به وجود می‌آورند، به نحوی جهش یابند که از واکنش‌های سیستم ایمنی انسان بگریزند، همان‌طورکه ویروس‌های آنفلوآنزا به‌طور ادواری این کار را می‌کنند؛ این موجب می‌شود که افراد هر سه، چهار سال یک‌بار به یکی از این ویروس‌ها مبتلا شوند. این یعنی واکسن‌های کرونا نیز باید به‌طورمرتب به‌روز شوند، همان‌طورکه درمورد واکسن‌های آنفلوآنزا این کار پیوسته انجام می‌شود.

آیا ممکن است جهش‌های خطرناک دیگر رخ دهد؟ مثلا جهش‌هایی که هم‌زمان سرایت‌پذیری ویروس و قدرت بیماری‌زایی (و کشندگی) آن را افزایش دهند؟

پاسخ این است: هنوز نمی‌دانیم آیا جهش‌های جدید ویروس را خطرناک‌تر یا انتقالش را سریع‌تر خواهند کرد یا نه. ولی ممکن است شواهد برآمده از تاریخ برخی ویروس‌های سرماخوردگی رایج انسانی آموزنده باشد. چندین ویروس مختلف هستند که موجب سرماخوردگی می‌شوند و رایج‌ترین‌شان رایننوویروس‌های بی‌شمار هستند. این ویروس‌ها چندین قرن است که ساکنان همیشگی جمعیت‌های انسانی‌اند و هرسال در قالب اپیدمی‌های فصلی از نو پدیدار می‌شوند. هرچند، باوجود این واقعیت، هیچ نشانه‌ای از خطرناک‌ترشدن این ویروس‌ها در طول زمان در دست نیست. به‌واقع، چهار نوع کروناویروسی که در ابتدا بیماری شدید و کشنده‌ای ایجاد کرده‌اند، ممکن است بعدها تنها منجر به سرماخوردگی‌های فصلی و همه‌گیر شوند.

همه امیدواریم که ویروس کرونا نیز همین مسیر را پیش بگیرد.

نویسندگان:

اِد راییکی: مدیر واحد تحقیقاتی Biopharming و عضو مؤسسه بیماری‌های عفونی و پزشکی مولکولی (Institute of infectious Disease and Molecular Medicine) دانشگاه کیپ تاون آفریقای جنوبی.

آنّالیزه ویلیامسون: استاد واکسینولوژی در انستیتوی بیماری‌های عفونی و پزشکی مولکولی دانشگاه کیپ تاون آفریقای جنوبی.

دان کُوان: مدیر مؤسسه تحقیقات ژنومیک (Genomics Research Institute)؛ مدیر مرکز اکولوژی و ژنومیک میکروبی (Centre for Microbial Ecology and Genomics) دانشگاه پرتوریای آفریقای جنوبی.

استفانی جی. بورتن: استاد بیوشیمی، ژنتیک و میکروبیولوژی و استاد دانشگاه Future Africa دانشگاه پرتوریا، در دانشگاه پرتوریای آفریقای جنوبی.

ترجمه‌ای از:

https://theconversation.com/how-the-coronavirus-mutates-and-what-this-means-۱۵۴۴۹۹-۱۹-for-the-future-of-covid

مؤتلفه، پایداری و جبهه ایستادگی نامزد حزبی معرفی کردند

اصولگرایان وارد رقابت‌های تیمی شدند

عکس: رزوفه رستمی

از یک طرف دو سازوکار وحدت یعنی شورای وحدت و شورای ائتلاف نیروهای انقلاب را ایجاد کرده‌اند تا به قول خودشان به نامزد واحد برسند و از سوی دیگر هر حزب و دسته‌ای برای خودش یک نامزد معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد که اصولگرایان خودشان هم نمی‌دانند که تکلیف‌شان با ۱۴۰۰ چیست؟ آن‌قدر پیروزی را در غیاب رقیب برای خودشان مسلم فرض کرده‌اند که سر از پا نمی‌شناسند و حتی در سازوکارهای انتخاباتی‌شان هم وحدت رویه ندارند. حزب مؤتلفه تیم نامزدهایش را اعلام کرد. پیش‌تر حزب جبهه پایداری هم تیم نامزدهایش را شامل دو چهره اصلی یعنی سعید جلیلی و صادق محصولی معرفی کرده بود؛ البته بعدا اعلام شد که این تیم یک نیمکت ذخیره هم دارد و با چهره‌های دیگری از فتاح تا ضرغامی و نیکزاد و... هم صحبت شده است. حزب جبهه ایستادگی هم محسن رضایی را نامزد انتخاباتی خودش کرده است. در تیم مؤتلفه، اسدالله بادامچیان، مهندس سیدمصطفی میرسلیم، محمدحسین نیکنام، حسین انواری و حمیدرضا ترقی حضور دارند. البته همان‌طور که براساس چینش اسامی هم مشخص است، دبیرکل یعنی بادامچیان و میرسلیم نامزدهای اصلی هستند. مؤتلفه گفته که از بین آنان متعاقبا نامزد واحد معرفی خواهد شد. کار شورای نگهبان برای ۱۴۰۰ بسیار سخت خواهد بود؛ چراکه اصولا، اصولگراها عادت به ماندن پشت فیلتر تأیید صلاحیت این نهاد را ندارند؛ اما حالا شورای نگهبان با اتوبوسی از نامزدهای رنگارنگ اصولگرا روبه‌رو است که درصورتی‌که بخواهد دست به یک انتخاب تناسبی مانند سال‌های گذشته بزند، باید تعداد بسیاری از آنها را رد صلاحیت کند؛ وگرنه تعداد نامزدهای ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ برای نخستین‌بار از زمان شکل‌گیری شورای نگهبان از عدد ۱۰ فراتر می‌رود. تقریبا همه اصولگراها برای ۱۴۰۰ احساس تکلیف کرده‌اند که نامزد شوند. تا این لحظه چهره‌هایی مانند قالیباف، ضرغامی و دهقان که رسمی یا غیررسمی اعلام کرده‌اند در انتخابت ۱۴۰۰ شرکت می‌کنند، از سوی هیچ جریان یا حزب اصولگرایی به‌عنوان کاندیدای رسمی نامزدی تحویل گرفته نشده‌اند.

روابط‌عمومی حزب مؤتلفه اسلامی، در بیانیه پیشانوروزی خودش اعلام کرده است: «در انتخابات ریاست‌جمهوری نیز حزب مؤتلفه اسلامی، سیاست وحدت را دنبال کرده و ضمن احترام به همه داوطلبان و نامزدها، سیاست رقابت سالم و اخلاق‌محور را به آنان توصیه می‌کند و معتقد است که هر نامزد و طرفداران او می‌توانند با معرفی اثباتی خود فضای آرام و مطلوب برای شناخت نامزدها و برنامه‌های آنان را فراهم آورند تا انتخاب خوب مردم، در کمال آگاهی و شناسایی صحیح و کامل صورت گیرد. تخریب‌ها و توسل به بداخلاقی‌ها و سیاه‌نمایی‌ها، فضای شاداب انتخابات را آلوده می‌سازد و جز زیان و آسیب نتیجه‌ای نخواهد داشت. حزب مؤتلفه اسلامی، شخصیت‌های واجد شرایط و در تراز نامزد ریاست‌جمهوری خود را که از رجال سیاسی-مذهبی انقلاب و نظام هستند و دارای دانش و تجربه، کارآمدی و کارایی، انگیزه و سلامت و طهارت اقتصادی و برخوردار از پشتوانه حزبی پاک و انقلابی و شبکه مردمی سراسری هستند، به مردم عزیز و همه فعالان سیاسی در زمان مقتضی معرفی می‌کند تا براساس شاخص‌ها و رهنمودهای ولی امر مسلمین، از بین داوطلبان، فرد اصلح و ارجح برای اداره امور اجرائی مناسب با برنامه گام دوم انقلاب مشخص شود و انتخاب خوب حاصل شود... . این نیروهای ارزشمند دارای تخصص‌های لازم و تجربیات کافی بوده و هریک از آنان برنامه‌های اقدامی و عملی برای حل مشکلات مردم و پیشرفت کشور و تعامل با همه نیروهای علاقه‌مند به خدمت به میهن، ملت و نظام را در دستور کار خود دارند...». در انتها هم جمله‌ای اضافه شده که احتمال می‌رود شعار انتخاباتی این حزب باشد: «یادمان باشد پیروزی در گرو انتخاب خوب است».

حزب مؤتلفه خودش را قدیمی‌ترین حزب سیاسی کشور می‌داند و معتقد است در جریان اصولگرایی هم حق آب‌وگل دارد. این حزب عضو شورای وحدت اصولگرایان است که زیر نظر جامعه روحانیت فعالیت می‌کند و قرار است که از دل این شورا یک نامزد واحد بیرون بیاید؛ اما مؤتلفه فعلا نامزدهای خودش را معرفی کرده است. حزبی که به حزب بازار معروف شده، برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ هم نامزد حزبی معرفی کرد؛ اما دست‌آخر از ترس شکست در برابر ائتلاف اصلاحات- دولت مستقر، پا پس کشید و میرسلیم را تنها روانه کارزار انتخابات کرد. درنهایت هم سهمش از مجلس اصولگرایان یازدهم همان یک نفر شد؛ اگرچه در همان مجلس هم نتوانست سمتی کلیدی برای همین یک عضو خود دست‌وپا کند. مؤتلفه که به جریان اصولگرایی سنتی متعلق است، می‌داند که شاید ۱۴۰۰ آخرین فرصت برای ابقایش در قدرت باشد و درصورتی‌که نتواند سهمی از این خوان ببرد، احتمالا باید برای همیشه به حاشیه سیاست کوچ کند و عرصه را به جریان‌های متأخر اصولگرایی واگذار کند.

مصدق و نفت منهای نگاه ایدئولوژیک

ادامه از صفحه ۲

از سوی دیگر حزب توده تبلیغات وحشتناکی را علیه دربار و جریانات سنتی به راه انداخته بود و انگلیسی‌ها خیلی سعی می‌کردند از این عملکرد حزب توده بهره‌برداری کنند و نوعی ایجاد ترس و وحشت میان اقشار مذهبی ایجاد کنند که اگر توده‌ای‌ها سر کار بیایند، تمام قدرت را بین خود تقسیم می‌کنند و به چیزی اعتقاد ندارند و تبلیغات شدیدی از سوی انگلیس علیه حزب توده در ایران صورت می‌گرفت و یک ترس و وحشت عظیم از توده‌ای‌ها در ایران به راه انداخته بودند. این ترس و وحشت فقط در قم و تهران نبود و در آمریکا هم به وجود آمده بود.

صادق زیباکلام سپس درباره سیاه‌نمایی از جریان چپ بعد از انقلاب گفت: «در جامعه هیچ ترسی از چپ‌ها وجود نداشت اما آمریکایی‌هایی بودند که این نگرانی را داشتند که براثر سقوط شاه و با توجه به اینکه چپ‌ها در ایران از جمله حزب توده، سازمان چریک‌های فدایی خلق، مجاهدین و... قدرتمند هستند، ممکن است حکومتی که در ایران بعد از شاه به قدرت می‌رسد مقدار زیادی رادیکال چپ‌گرا باشد و همچنین نگرانی وجود داشت و نقطه قوت آنها مهندس بازرگان و برخی اطرافیان مرحوم امام مانند مرحوم مطهری و بهشتی بود. در پایان زیباکلام تشریح کرد: «صحبت دیگری که باقی می‌ماند، این است که چرا مصدق فرمول بانک جهانی را قبول نکرد؟ من خیلی تلاش کردم که بفهمم انگیزه مصدق از این نپذیرفتن چه بوده است و تاکنون نتوانسته‌ام به پاسخ این پرسش دست یابم و آن دنیا از مرحوم دکتر مصدق بپرسم که چرا آقای دکتر شما فرمول بانک جهانی را قبول نکردید. برخی از جمله آقای دکتر همایون کاتوزیان معتقدند مصدق نمی‌توانست این فرمول را قبول کند. اگر فرمول بانک جهانی را قبول کرده بود و یک‌جور مصالحه صورت گرفته بود، از طرف حزب توده ایران و آیت‌الله کاشانی که حالا بزرگ‌ترین دشمن مصدق شده بود مورد تهاجم قرار خواهد گرفت و می‌گویند دیدید مصدق با آمریکایی‌ها ساخت و ما از اول می‌گفتیم که نباید به مصدق اعتماد کرد و اصلا مهم نبود فرمولی که به‌دست آمده، چه بوده است. مثل جریان برجام؛ اگر خاطرتان باشد زمانی که این توافق امضا شد، تندروها خیلی سروصدا کردند که تمام امتیازها را ما داده‌ایم و همه عقب‌نشینی‌ها در مقابل آمریکایی‌ها از سوی ما بوده است و به‌هیچ‌وجه منافع ایران در ایران قرارداد را نمی‌دیدند و تصور سازش و قرارداد ترکمنچای داشتند. آقای کاتوزیان معتقد است چنین فضایی در صورت قبول فرمول بانک جهانی آیت‌الله کاشانی و حزب توده علیه مصدق به راه می‌انداختند اما حتی اگر بپذیریم که چنین دغدغه‌ای در مصدق وجود داشته که اگر فرمول بانک جهانی را بپذیریم و هرگونه مصالحه‌ای با انگلیس بکنم، کسانی که مخالف من هستند، این اتفاق را علیه من مطرح می‌کنند و می‌گویند مصدق خیانت و سازش کرد؛ بنابراین مصدق ترجیح داد مثل یک قهرمان از میدان به‌در شود. البته این فقط یک تئوری و احتمال است و نمی‌دانم شاید این‌گونه نباشد. شاید اگر از مصدق می‌پرسیدیم جواب دیگری به ما می‌داد».

نکوروح: ملی‌شدن صنعت نفت به پیش از دهه ۳۰ بازمی‌گردد

در ادامه محمود نکوروح به‌عنوان شاهد عینی آن وقایع به «شرق» می‌گوید: «ملی‌شدن صنعت نفت تنها کار دکتر مصدق بود که تا آن زمان بین هیچ‌کدام از رجال سابقه نداشت. پیش‌زمینه‌های ملی‌شدن صنعت نفت به سال‌ها پیش از دهه ۳۰ بازمی‌گردد؛ در زمان رضاشاه قرارداد نفت با شرکت نفت انگلیسی باید تمدید می‌شد. اما رضاشاه به خاطر بی‌سوادی آن را در بخاری انداخته و اظهار کرد ما قبلی‌ها را به خاطر این قرارداد نفرین می‌کردیم و بعدها مردم من را به خاطر سوزاندن این قرارداد نفرین خواهند کرد. زیرا در قرارداد - جدید ۶۰ساله - فقط چند شلینگ ناقابل به نرخ قبلی اضافه شد. درحالی‌که در قرارداد قبلی تمام تأسیسات شرکت بریتیش پترولیوم در جهان متعلق به ایران می‌شد. بعد از جنگ جهانی دوم که انگلیس‌ها رضاشاه را در نیمه‌شبی با خاموشی برق بردند و انگلستان در جست‌وجوی تمدید قرارداد جدید توسط گس گلشاییان و دولت‌های انگلوفیل- برآمد. با امروز و فردای مجلس هم بالاخره ناکام ماند، تا روند حوادث با احزاب مختلف از چپ-ملیون تا درباری و فاشیست تا تظاهرات‌هایی از حزب توده و... و البته حضور نیروهای متفقین و اشغال ایران که در چنین شرایطی جنگ برای ما آزادی آورد! و روزنامه‌های فراوان تمام گروه‌ها و حتی غیر از گروه‌ها منتشر شد».

او ادامه داد: «بعد از سقوط رضاشاه، فروغی، محمدرضا جوان ۱۹ساله‌ای را که در سوئیس هم نتوانسته بود دیپلم بگیرد و رضاشاه از دبیرستان نظام برای او دیپلم گرفت، با رأی مجلس سیزدهم که رضاشاه آن را طویله می‌نامید و دوره‌اش نیز گذشته بود، به سلطنت رساند؛ امری که مورد اعتراض دانشگاه و بازار و... قرار گرفت. فروغی در زمان وزارات دارایی‌اش تمام هزینه‌هایی چون رشوه به وثوق‌الدوله و... عوامل طرفدار استعمار انگلستان تا هزینه سربازان انگلیسی در جنگ اول در اشغال ایران را به انگلستان پرداخت و مصدق اعتراض کرد. اولین اقدام مصدق بعد از رفتن تدریجی متفقین، آزادی مطبوعات بود که رئیس شهربانی به خاطر فحش‌های حزب توده به آن معترض بود، پاسخ داد به من فحش می‌دهند نه به تو. شاه در سال ۱۳۲۷مجلسی فرمایشی تشکیل داد و بر قدرت خود درباره انحلال مجلس با تصویب آن مجلس افزود. قوام به او هشدار داد که بالاخره تو کشور را به انقلاب خواهی رساند. مصدق هم گفت نیاز به انقلاب مشروطه‌ای دیگر است. قوام‌السلطنه که از ابتدا شاه را بچه می‌نامید و او را قبول نداشت، در مقابل حزب توده، حزب دموکرات را تأسیس کرد و دولت جدید را با ائتلاف حزب توده تشکیل داد. در این مدت او به روسیه استالینی رفت و قول‌وقرارهایی برای نفت شمال گذاشت و مصدق در مجلس پانزدهم با ماده‌ای که تصویب شد، کار او را طبق قانونی با زندان و... خنثی کرد. قوام بعد از بازگشت به تهران منتظر خدمت شد تا سی‌ام تیر که محمدرضا به او متوسل شد و بعد از قیام تاریخی مردم استعفا داد و شاه اختیارات خود را در حوزه نظامی بالاجبار به مصدق داد. طنز تاریخ آنجا بود که هنگامی که دکتر مصدق به‌عنوان نخست‌وزیر در دربار برای معرفی خود به‌عنوان نخست‌وزیر حضور یافت، شاه بعد از تأیید و... گفت دستور می‌دهم چند نفر برای حفاظت شما نگهبان بگذارند و دکتر مصدق با رد آن پاسخ داد: «همان‌گونه که برای رزم‌آرا گذاشتید؟!».

او بیان کرد: «دکتر مصدق بعد از قیام سی‌ام تیر با برنامه معطوف به حقوق محرومین و... که در این قیام شرکت کرده و تلفات دادند، اعلام و اجرا کرد که نوعی سوسیال‌دموکراسی را تداعی می‌کرد. در دادگاه لاهه با وکالت -موسیو رولن- وکیل ایران توانست شرایطی به وجود آورد که رأی به نفع ایران صادر شود و جالب‌تر اینکه نماینده انگلستان به نفع ایران رأی داد و فراتر پرونده به شورای امنیت رفت و در آنجا بود که حق ملی‌شدن منابع برای تمام کشورها به رسمیت شناخته شد. از این مرحله ملی‌شدن‌ها آغاز شد».

ادامه از صفحه اول

آخرین تانگو؟

دگرگونی در خاورمیانه؟

در صورت ادامه ایجاد بن‌بست برای تشکیل کابینه ائتلافی نتانیاهو تا انتخابات بعدی (احتمالا شهریور) مجددا به نخست‌وزیر «نیمه‌رسمی» اسرائیل بدل خواهد شد و متعاقبا توان او برای مداخله در تحولات خاورمیانه کمرنگ خواهد شد. به خاطر بیاوریم طرح صلح میان امارات و بحرین با اسرائیل در طول سال ۹۸ (زمانی که اسرائیل فاقد نخست‌وزیر برگزیده بود) متوقف ماند و این توافق زمانی امضا شد که نتانیاهو توانست در اردیبهشت ۹۹ دوباره نخست‌وزیر برگزیده اسرائیل شود. ازاین‌رو احتمال صلح و برقراری روابط دیپلماتیک میان خاندان سعودی با اسرائیل در این وضعیت بسیار بعید خواهد بود. این شرایط عربستان را در موقعیت پیچیده‌ای قرار خواهد داد، ذات محافظه‌کار نخبگان آل‌سعود در روابط بین‌الملل، احتمالا باعث خواهد شد ریاض از یک اتحاد جدی با اسرائیل دلسرد شود. این دلسردی در صورت روی‌کارآمدن نخست‌وزیری از بلوک آنتی نتانیاهو نیز متصور است. نخست اینکه نخست‌وزیر این بلوک، چه لاپید، چه بنت و چه سعار، در تعامل با رهبران خلیج‌فارس بسیار آماتور هستند و «تازه» باید خیلی چیزها را فرا بگیرند -این سه روی هم ۱۰ سال سابقه وزارت دارند که اغلب آن نیز وزارت آموزش‌وپرورش و وزارت کشور بوده- دوم اینکه کابینه ائتلافی آنها بسیار شکننده خواهد بود و به احتمال بالا ظرف کمتر از یک سال دچار فروپاشی شود.

همچنین در صورت عدم تشکیل کابینه ائتلافی در اسرائیل یا تشکیل به ریاست فردی به‌جز نتانیاهو، ایران و دولتِ بایدن در ایالات‌متحده از مزاحمت کمتری برای بازگشت به برنامه جامع اقدام مشترک برخوردار خواهند بود. نتانیاهو در قامت نخست‌وزیر نیمه‌رسمی (که تازه باید در دادگاه‌های رسیدگی به فساد اقتصادی‌اش هم حاضر شود) از توان لابی به‌مراتب کمتری در کنگره آمریکا برخوردار خواهد بود. نتانیاهو همین حالا نخست‌وزیری است که جو بایدن تمایل چندانی به شنیدن حرف‌هایش ندارد (چهار هفته طول کشید تا بایدن اولین تماس تلفنی خود را با نتانیاهو برقرار کند)، اگر در انتخابات نیز برنده نشود و صرفا گرداننده کابینه اسرائیل تا انتخابات بعدی باشد، تمایلِ بایدن برای تعامل با او از این هم کمتر خواهد شد. در عین حال اگر سیاست‌مداری از بلوک آنتی نتانیاهو موفق به تشکیل کابینه شود به دلایلی که در بالا ذکر شد، هژمونی او برای مداخله جدی در تعامل احتمالی میان تهران و واشینگتن ناچیز خواهد بود. فراموش نکنیم نتانیاهو برای ۱۲ سال متمادی قدرت را در اسرائیل قبضه کرده است. کناررفتن او از قدرت مانند برکناری یک پادشاه یا دیکتاتوری قدرقدرت است، حذف او، حکمرانی در اسرائیل را دست‌کم در میان‌مدت با دگردیسی‌های قابل توجهی و وضعیت گیج‌کننده‌ای مواجه خواهد کرد، جاه‌طلبی نتانیاهو برای حضور ابدی در قدرت، اغلبِ سیاست‌مداران کهنه‌کار اسرائیل را از صحنه حذف کرده و لشکری از سیاست‌مداران آماتور خلق کرده است. شاید برای یک دهه اسرائیل گرفتار کابینه های ائتلافی بی‌دوام و انتخابات پی‌درپی شود. به‌ویژه ایران و عربستان، هر دو انتخابات اسرائیل را از نزدیک تماشا خواهند کرد، نتیجه انتخابات سوم فروردین و آینده سیاسی اسرائیل می‌تواند هم ایران و هم عربستان را در خصوص طراحی دکترین پسا-ترامپ در خاورمیانه با تأملات جدی مواجه کند. ترامپ پیمانکار نظمی در خاورمیانه شد که معمار آن نتانیاهو بود. اگر کناررفتن ترامپ از قدرت زلزله‌ای علیه آن نظم قلمداد شود، حذف نتانیاهو از قدرت یک سونامی خواهد بود.

آگهی مناقصه

شناسه آگهی ۱۱۱۴۳۵۹

شرکت شهرک های صنعتی چهارمحال و بختیاری

شرکت شهرک‌های صنعتی چهارمحال و بختیاری در نظر دارد به استناد قوانین و مقررات معاملات دولتی، مناقصات عمومی مطابق شرایط زیر را با بهره‌گیری از سامانه‌ی تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه‌ی مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه‌ی پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه‌ی تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. زمانِ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ می‌باشد.

نام پروژه	محل اجرا	نوع فراخوان	مبلغ برآورد اولیه (ریال)	آخرین مهلت دریافت اسناد از سایت		آخرین مهلت ارائه پیشنهاد		زمان بازگشایی		محل تامین اعتبار	مبلغ تضمین (میلیون ریال)
				ساعت	تاریخ	ساعت	تاریخ	ساعت	تاریخ		
تهیه‌ی مصالح و ایجاد فضای سبز و تمیزکاری شهرک‌های صنعتی استان	شهرک‌های صنعتی استان	مناقصه‌ی عمومی یک مرحله‌ای	۱۷/۰۹۱/۹۳۸/۹۳۴	۱۴	۱۴۰۰/۰۱/۰۲	۱۴	۱۴۰۰/۰۱/۱۵	۸:۳۰	۱۴۰۰/۰۱/۱۶	عمرانی استانی و داخلی	۸۵۵
تهیه‌ی مصالح و اجرای زیرسازی، جدول‌گذاری و ایجاد معابر ناحیه‌ی صنعتی تخصصی بادام	ناحیه‌ی صنعتی تخصصی بادام	مناقصه‌ی عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی	۳۳/۸۴۱/۸۲۳/۲۲۷	۱۴	۱۴۰۰/۰۱/۰۲	۱۴	۱۴۰۰/۰۱/۱۶	۸:۳۰	۱۴۰۰/۰۱/۱۷	عمرانی استانی و داخلی	۱۶۹۳

شرکت شهرک های صنعتی چهارمحال و بختیاری